

<https://pecritique.com/>

چرا جهان فلسطینی‌ها را نجات نمی‌دهد؟

تقد اقتصاد سیاسی
آبان‌ماه ۱۴۰۲

دانیل تیلور

ترجمه‌ی خسرو صادقی بروجنی



چرا جهان فلسطینی‌ها را نجات نمی‌دهد؟

بخشی از نیروهای «چپ‌گرای» ایران و جهان هنوز در هوای جهان دوقطبی تنفس می‌کنند و در سایه‌ی فروپاشی یکی از دو قطب عمده‌ی جهان در دهه‌های گذشته، به کشورهایمانند چین و روسیه دل خوش کرده‌اند. منازعه‌ی کنونی در خاورمیانه که دارای ریشه‌های تاریخی است بار دیگر این نیروها و مردم جهان را با این سؤال اساسی روبرو کرده‌است که: «چرا جهان فکری به حال فلسطینی‌ها نمی‌کند؟». آیا هنوز با یک جهان دوقطبی روبرو هستیم که هر یک ایدئولوژی کاملاً متفاوتی را نمایندگی کنند؟ یا هر دو جریان کنونی جناح‌هایی از نظام سرمایه‌داری جهانی هستند که گاه ممکن است تصمیمات‌شان با منافع مردم بخشی از جهان همسو شود؟ دولت‌های خاورمیانه چه نقشی را ایفا می‌کنند؟ آیا نزاع کنونی میان دست‌راستی‌ترین جریان‌های سیاسی اسرائیل و فلسطین که ریشه‌ی تاریخی در ستم آشکار اسرائیل علیه فلسطین دارد، و کشته شدن هزاران غیرنظامی، راه به جایی خواهد برد؟ این جنگ آخر است یا آدم‌کشی و ویرانی همچنان ادامه خواهد داشت تا در نهایت ارتجاع و امپریالیسم چون دو بال سرمایه‌داری جهانی به حیات مرگبار خود ادامه دهند؟ دانیل تیلور در مطلب پیش‌رو تلاش کرده دیدگاه اتحادیه‌ی اروپا، سازمان ملل متحد، دولت‌های چین، روسیه و حکومت‌های خودکامه‌ی خاورمیانه را به چالش بکشد و نشان دهد که هیچ یک از آنان به جز قدرت واقعی نیروهای مردمی قادر به فیصله دادن به این خونریزی نیست.

چه کسی می‌تواند این جنگ را متوقف کند؟ این سؤال می‌تواند خواب شبانه از چشم‌هایتان برباید. دولت اسرائیل و حامیان آمریکایی آن به جهان نشان داده‌اند که چقدر می‌توانند سادیست و بی‌رحم باشند. پس چه کسی قرار است کاری در مورد آن انجام دهد؟

اتحادیه‌ی اروپا که گاهی مدعی است مرکز روشنفکرتر و بشردوستانه‌ی قدرت غرب است؟ سازمان ملل که ظاهراً وجود دارد تا «جامعه‌ی بین‌المللی» بتواند از وقوع چنین جنگ‌هایی جلوگیری کند؟ دولت‌های روسیه یا چین که می‌گویند مخالف استعمار و امپریالیسم غرب هستند؟ کشورهای عربی و مسلمان خاورمیانه که می‌گویند قهرمانان آرمان فلسطین هستند؟

هر روز اخبار بیشتری از کشته شدن کودکان، آواره شدن خانواده‌ها و نابودی منابع حیاتی به گوش می‌رسد. با مشاهده‌ی تخریب گسترده‌ی زندگی فلسطینی‌ها در غزه می‌توان احساس ناتوانی کرد. اما این دولت‌ها و ائتلاف‌ها ناتوان نیستند. آن‌ها قدرت‌هایی هستند که بر جهان ما حکومت می‌کنند: به قول معروف این دنیای آنهاست و ما در آن فقط زندگی می‌کنیم و می‌میریم. بنابراین اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها بار دیگر خود را به عنوان قاتلان کنترل‌ناپذیر نشان دادند. چرا هیچ یک از دولت‌ها یا سازمان‌های دولتی دیگر آن‌ها را متوقف نمی‌کنند؟

زیرا آن‌ها در واقع نمی‌خواهند. برای حکومت‌ها و سازمان‌هایی که «جامعه‌ی بین‌المللی» را تشکیل می‌دهند، این موضوع درباره‌ی مرگ و زندگی فلسطینی‌ها نیست. آن‌ها فقط به یک چیز اهمیت می‌دهند: به دست آوردن قدرت و اعتبار به قیمت رقباتی خود.

اتحادیه‌ی اروپا سزاوار سرزنش است. سرانجام پس از در دسرهای فراوان بیانیه‌ای منتشر کرد که در آن خواستار «مکث» (Pause) در کشتار فلسطینیان توسط اسرائیل شد. نه برای این که در کشتار درنگ کند، بلکه فقط برای اینکه کمی قبل از شروع مجدد آن «مکث» شود. وقتی یک قاتل زنجیره‌ای آزاد است، آیا پلیس هیچ وقت خواستار «مکث» در آدمکشی می‌شود؟

با این حال حتی برخی این بیانیه را زیاده‌روی به شمار آوردند. این بیانیه فقط پس از بحث‌های داغ بین کشورهای اروپایی به دست آمد. وزیر خارجه‌ی آلمان، یکی از اعضای حزب سبزهای آلمان، پیش‌تر بیانیه‌ی مشابهی را [«تو کرده بود»](#) چندین کشور اتحادیه‌ی اروپا سخت مبارزه کردند تا اطمینان حاصل کنند که بیانیه‌ی نهایی به هیچ‌وجه نمی‌تواند به‌عنوان انتقاد از کارزار کشتار جمعی اسرائیل خوانده شود. همانطور که در [مقاله‌ای](#) در وب سایت خبری پولیتیکو آمده است، آن‌ها بر زبانی «ظریف و متفاوت» اصرار داشتند که حق اسرائیل را برای «شکست دادن حماس» به رسمیت بشناسد. رهبران روشنفکر اروپا که شاهد یک نسل‌کشی توسط متحد خود هستند، نگرانند که حتی درخواست برای «توقف» ممکن است محکومیتی بیش از حد افراطی تلقی شود.

چرا جهان فلسطینی‌ها را نجات نمی‌دهد؟

چرا حتی در اروپا در این مورد جر و بحث وجود دارد؟ آلمانی‌ها می‌خواهند نشان دهند بدون توجه به جنایانی که متحدان امپریالیست‌شان در خاورمیانه انجام می‌دهند از آن‌ها حمایت خواهند کرد. اما دیگر بازیگران مناقشه‌ی اروپا در جهت مبارزه برای آزادی فلسطینی‌ها خودشان را به زحمت نمی‌اندازند. امانوئل مکرون مثل همیشه یک «فکر بکر» فوق امپریالیستی داشت: یک ائتلاف بین‌المللی گسترده برای حمله به غزه. این مخلص کلام امپریالیسم «بشردوستانه»ی غربی است. برخی استدلال می‌کنند متحدان غربی باید آزاد باشند تا اقلیت‌های تحت ستم خود را بدون مجازات قتل‌عام کنند. اما برخی نگران موقعیت بین‌المللی خود هستند. آن‌ها می‌خواهند بیشتر نقش بازی کنند. بنابراین سعی می‌کنند در قتل‌عام دولت‌های دیگر نیز شرکت کنند. آن‌ها می‌خواهند خودشان در یک ائتلاف برای انجام یک قتل‌عام مذاکره کنند. دولت فرانسه، اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها را مسئول یک جنایت جنگی بزرگ می‌داند که مستلزم استقرار گسترده‌ی قدرت نظامی در منطقه استراتژیک خاورمیانه است و همه‌ی فکر و ذکر این است که: چگونه می‌توانیم در این امر نقش داشته باشیم؟

هیچ‌یک از امپریالیست‌های غربی خواهان عدالت و حتی صلح برای ستمدیدگان نیستند. آن‌ها فقط می‌خواهند دولت‌هایشان از شرایط مرگبار در غزه صاحب نفوذ و قدرت شود.

سازمان ملل چطور؟ بی‌معنی است که اهمیت زیادی به آن بدهیم. سازمان ملل به عنوان ائتلافی از طبقات حاکم جهانی تأسیس شد. هدف آن، که در مقدمه‌ی منشورش ادعا شده است، «نجات دادن نسل‌های بعدی از بلای جنگ» است. نتایج به خودی خود گویاست.

در سطوح پایین‌تر، کارکنان سازمان ملل به فلسطینی‌ها کمک می‌کنند (زمانی که اسرائیل اجازه می‌دهد)، و این گروه از ترتیبات اداری مختلفی استفاده می‌کند که می‌تواند تحقیقات مفیدی در مورد ظلم به فلسطینی‌ها انجام دهد - در حالی که هیچ کاری برای پایان دادن به آن انجام نمی‌دهد.

سازمان ملل در سطح بالا، یک مجمع چالش‌برانگیز برای طبقات حاکم جهانی است. این سازمان جریان‌های مختلف امپریالیسم جهانی را نمایندگی می‌کند، بنابراین

گهگاه در بیانیه‌هایی تأیید می‌کند که فلسطینی‌ها مظلوم واقع شده‌اند. (و از شنیدن آن احتمالاً شگفت‌زده شوید که اسرائیل به‌خاطر این کار، آن را به‌یهودستیزی محکوم می‌کند). این نباید کسی را متعجب کند. به هر حال، این نهایت کاری است که شاکله‌ی سیاستمداران جهان انجام می‌دهند: صدور بیانیه‌های خوش‌آهنگ که هیچ کمکی به بهبود جهان نمی‌کنند خودش یک تخصص است.

اما هیچ کاری نمی‌کند. نه به این دلیل که ناتوان است. سازمان ملل کاملاً قادر به سازماندهی و اعمال نیروی نظامی است. هیچ کاری انجام نمی‌دهد چون معبد قدرت‌های نظامی اصلی جهان، از جمله آن‌هایی است که مسئول اعمال و ادامه‌ی ظلم و ستم بر فلسطینیان هستند. بنابراین، قدرت‌های غربی در شورای امنیت می‌توانند هر قطعنامه‌ای را که حتی اندکی برای حاکمان اسرائیل ناخوشایند است به‌راحتی وتو کنند. البته جریانات رقیب در امپریالیسم جهانی هم در سازمان ملل نماینده دارند. دولت‌های روسیه و چین طرح‌هایی را ارائه می‌دهند که آمریکا و تو می‌کند. بسیاری از چپ‌ها رؤیای «جهان چندقطبی» آینده را در سر می‌پرورانند که در آن قدرت‌های متخاصم با غرب ممکن است بدترین افراطی‌گری‌های تجاوزکارانه آمریکا، اروپا و اسرائیل را مهار کنند. تعداد کمی هنوز این کار را انجام می‌دهند. اما واقعیت آشکار است.

نه طبقات حاکم روسیه و نه چین به آزادی فلسطینی‌ها اهمیت نمی‌دهند. چرا؟ زیرا آن‌ها چندان مخالف اصولی نابودی اعراب و مسلمانان، غارت حقوق دموکراتیک آن‌ها و ربودن سرزمین‌شان نیستند.

روسیه فقط در سال ۲۰۱۸ اردوگاه آوارگان فلسطینی در یرموک، خارج از دمشق را با خاک یکسان کرد، زیرا این اردوگاه پایگاهی برای مخالفت با دیکتاتوری سوریه بود. قلع‌و‌قمع بی‌رحمانه‌ی جنبش جدایی طلب چین، به قدرت‌گیری رئیس‌جمهور ولادیمیر پوتین در روسیه کمک کرد. هنگامی که صحبت از بمباران فله‌ای «بربرهای» عرب و مسلمان می‌شود و منافع امپریالیستی روسیه ایجاب می‌کند، ولادیمیر پوتین یک طرف معمولی حزب لیکود است.

با این همه جنگ آشکار، امپریالیسم چین هنوز خود را نشان نداده است، اما یکی از معدود دولت‌های مدرنی است که مانند اسرائیل، یک ملت مسلمان را از طریق فرایند استعمار ساکنان، پاکسازی قومیتی می‌کند. اویغورهای سین کیانگ ممکن است در مورد

چرا جهان فلسطینی‌ها را نجات نمی‌دهد؟

شکایت دولت چین از سازمان ملل در مورد «طرفه رفتن از موضوع اساسی دولت مستقل برای مردم فلسطین» خم به ابرو بیاورند.

نسل‌کشی، پاک‌سازی قومی و سرکوب اقلیت‌های ملی - همراه با دروغ‌های ایدئولوژیکی که آن‌ها را توجیه می‌کند، مانند «ضد تروریسم» یا اسلام‌هراسی مطلق - ابزار مشترک هر قدرت امپریالیستی است. اروپا، ایالات متحده، روسیه و چین همگی زمانی از آن‌ها استفاده می‌کنند که منافع آن‌ها تأمین شود. و همه آن‌ها را زمانی محکوم می‌کنند که این کار نیز در راستای منافع آن‌ها باشد. هر یک از این قدرت‌ها به نوع خود حمله به غزه را فرصتی برای کسب قدرت و نفوذ می‌دانند. محکومیت اسرائیل توسط روسیه و چین به همان اندازه ریاکارانه است که خودنمایی غرب در مورد دموکراسی و حقوق بشر.

برای **طبقات حاکم خاورمیانه**، خودنمایی در مورد فلسطینی‌ها سیاست خوبی است. اما عملاً هیچ کاری انجام نمی‌دهند. اعراب و مسلمانان منطقه که از دیکتاتوری‌های وابسته و متفاوت تحت حمایت آمریکا و روسیه رنج می‌برند، به درستی آرمان فلسطین را برجسته‌ترین بیان مبارزه‌ی طولانی علیه امپریالیسم و استعمار در منطقه می‌دانند.

حاکمان آن‌ها در حالی که مشغول لفاظی درباره لزوم عدالت هستند از برقراری رابطه با دولت اسرائیل خوشحال‌اند و حقوق فلسطینی‌ها را تفویض می‌کنند. دیکتاتوری تحت حمایت ایالات متحده در مصر برای آنتونی بلینکن در مورد وضعیت فلسطین سخنرانی کرد، اما مصر در محاصره کردن غزه برای خفه کردن آرام آن، همدست اسرائیل بوده است. دولت‌های عربی مستبد هیچ علاقه‌ای به آزادی انسان ندارند: آن‌ها فلسطینی‌ها را نان‌خور اضافی، تروریست‌های بالقوه و خوراکی برای رفتارهای عوام‌فریبانه می‌بینند. حاکمان آن‌ها بیش از آن که از صهیونیسم متنفر باشند، از قیام مردم خود برای طرفداری از فلسطین می‌ترسند.

اما دو جامعه‌ی بین‌المللی وجود دارد: جامعه‌ی حاکمانی که همگی به بحران کنونی در خاورمیانه چشم دوخته‌اند و محاسبه می‌کنند که چگونه می‌توانند آن را به نفع خود

تغییر دهند تا مردم خود را بهتر سرکوب کنند، قدرت نظامی‌شان را گسترش دهند و اتحاد خود با ستمگران دیگر را تقویت کنند.

جامعه‌ی ستمدیدگان نیز وجود دارد: همه‌ی کسانی که با فلسطینی‌ها اظهار همبستگی می‌کنند و حاکمان خود را برای مطالبه‌ی عدالت و آزادی به چالش می‌کشند. طبقات حاکم برای تحمیل دستورکار خود به جهان، در سطح بین‌المللی سازماندهی می‌کنند. ستمدیدگان می‌توانند و باید همین کار را بکنند. امپریالیسم جهانی مسبب اتفاقات غزه است. سوسیالیسم بین‌المللی به آن پایان خواهد داد.

منبع اصلی:

Daniel Taylor (2023), Why won't the world save the Palestinians?, redflag, available from:

<https://redflag.org.au/article/why-wont-world-save-palestinians>